





## بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی

مریم خلیل زاده مقدم \* ابوالفضل صادق پور فیروز آباد \*\*

تاریخ دریافت مقاله : ۹۰/۱۰/۶

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۰/۱۲/۱۷

### چکیده

پارچه بافی از جنبه کاربردهای فراوانی که در میان تمامی اقشار جامعه دارد، یکی از پیشروترین و گسترده‌ترین صنایع در بین کشورهای مسلمان، از جمله ایران و هند به شمار می‌رود. به همین دلیل سده‌های نهم تا یازدهم هجری قمری - پانزدهم تا هفدهم میلادی از نظر پیشرفت و گسترش هنر پارچه بافی صفوی و گورکانی با اهمیت است. این دو با داشتن ارتباط فرهنگی و هنری در سده‌های پیشین، به ویژه در زمان حکومت صفویه، تأثیرات بسیاری در هنرهای مختلف، به ویژه هنر پارچه بافی بر یکدیگر داشته‌اند. در این پژوهش با مطالعه هنر پارچه بافی ایران عهد صفوی، تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری آن با یکی از تمدن‌های هم‌عصرش، یعنی تمدن مغولی هند (گورکانی)، به صورت تطبیقی بررسی گردیده است. محور اصلی این پژوهش، طرح‌ها و نقش‌های بافته شده در پارچه‌های صفوی و گورکانی است، بر همین اساس، ابتدا ویژگی‌ها و شیوه‌های پارچه بافی صفوی و گورکانی بررسی و سپس با دسته‌بندی طرح‌ها و نقوش بافته شده به سه گروه نقوش گیاهی، انسانی، حیوانی و نقوش خط‌نگاره نمونه‌های به دست آمده از پارچه‌های هر دوره به صورت تطبیقی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

### واژگان کلیدی

پارچه، صفوی، گورکانی، بررسی تطبیقی نقوش.

\* کارشناس ارشد فلسفه هنر، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، شهر تهران، استان تهران

Email:Khalilzadeh.maryam@yahoo.com

Email:asakasfmg@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران

### مقدمه

از دیرباز میان ایران و دیگر سرزمین‌های آسیایی تعامل فرهنگی وجود داشته‌است، به ویژه میان دو تمدن بزرگ ایران و هند، که مناسبات فرهنگی آن‌ها بسیار چشمگیر هم بوده‌است. این دو تمدن بارها در طول تاریخ سنت‌های فرهنگی خود را با هم به اشتراک گذاشته‌اند، و نتیجه آن تعاملی است که پیشینه ۳۰۰۰ ساله یافته‌است. برای نمونه در سده سوم پیش از میلاد آشوکا امپراتور هند باستان، کاخ خود را به تقلید از کاخ هخامنشیان ساخته بود.

برزویه طبیب در زمان ساسانیان بخشی از فرهنگ ادبی ایران را با ترجمه داستان پنجه تنتره از سانسکریت به پهلوی آشنا نمود. ورود و گسترش دین و فرهنگ اسلام نیز در سرزمین هند از راه ایران صورت گرفت و در این مسیر بسیاری از سنت‌های فرهنگی ایران، از جمله ادبیات و نگارگری از این طریق به هند منتقل شد. ولی بدون شک بیش‌ترین تأثیر فرهنگ و هنر ایران در هند به زمان فرمانروایی پادشاهی گورکانی هند بازمی‌گردد، تأثیری نه با تهاجم و اجبار، بلکه آگاهانه. تبادلات متقابل هنری و فرهنگی بین دو کشور ایران و هند در دوران صفوی برقرار بود.

در این دوره هنر تحت حمایت پادشاهان، در هند شکوفا شد و صنعتگران هندی در زمینه‌های گوناگون هنری و فرهنگی از ایران پیروی می‌کردند. این موضوع با مهاجرت تعدادی از هنرمندان و صنعتگران ایرانی به هند، در پی حامیان جدید، رونق بیش‌تری گرفت.

در این دوره صحنه‌های شکار، تصاویر حیوانات، باغ‌های بهشتی، درختان و پرندگان بر روی منسوجات ایرانی نقش می‌شد که این نقوش و تصاویر در دربار گورکانیان هند هم رواج یافته بود. با توجه به آنچه اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت، ارتباطات گسترده ایران و هند در سده‌های ۱۱-۹ ه.ق، ۱۷-۱۵ م بر تجارت پارچه و نیز مهاجرت هنرمندان و در نتیجه انتقال رنگ و نقوش پارچه‌ها تأثیر به‌سزایی داشته و این روند دوسویه بوده است.

سده‌های بررسی‌شده تقریباً دوران اوج دو سلسله بزرگ اسلامی، یعنی صفوی و گورکانی است که این دو همسایه بزرگ شرقی با سابقه دیرین تمدنی و مشترکات دینی اسلام، به تبادلات عظیم فرهنگی و هنری پرداخته‌اند. نقوش هم با توجه به ابزار، شیوه و نیز نگاه زیباشناسی و تأثیرات تاریخی، اساطیری، مذهبی و غیره با یکدیگر تفاوت دارند. اهدافی که در این پژوهش مورد نظر می‌باشد، عبارتند از:

۱- شناساندن نقوش و طرح‌های پارچه‌های ایران صفوی و هند گورکانی.

۲- مشخص ساختن وجوه اشتراک و افتراق نقوش پارچه‌های ایران صفوی و هند گورکانی.

سؤالاتی که در این پژوهش به آن‌ها پاس داده می‌شود عبارتند از:



تصویر ۱- جفت‌بالا پوش باقی‌مانده از عصر صفوی، ماخذ: فریه، ۱۳۷۴، ۱۶۷

۱- آیا طراحی و نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند؟

۲- چه نوع طرح‌ها و نقوشی در پارچه‌های صفوی و گورکانی مشترک و کاربرد داشته‌اند؟

روش تحقیق این پژوهش تحلیلی - توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. همین‌طور از طریق میدانی نمونه پارچه‌های موجود در کتابخانه‌ها و موزه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. محدوده تاریخی این پژوهش مربوط به پارچه‌های سده‌های ۱۱-۹ ه.ق، ۱۷-۱۵ م است و جامعه آماری این پژوهش شامل بررسی آثار موجود در موزه‌های ویکتوریا، آلبرت، لندن، ملی ایران،



ویژگی و کیفیت‌های پارچه‌های صفوی و گورکانی به‌طور جداگانه تحقیقات مختلفی انجام شده‌است. همچنان که در پژوهشی با عنوان «زری بافی در دوره صفویه»<sup>۱</sup>، پژوهشگر به ویژگی پارچه‌های زری دوره صفویه و ارتباط هنر نقاشی با نقوش پارچه‌های زربفت اشاره کرده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «غیاث نقش‌بند»<sup>۲</sup> اعزام غیاث نقش‌بند و پسرانش به دربار هند و انتقال و تاثیر نقوش پارچه‌ها بر روی منسوجات هند مورد بررسی قرار گرفته است.

این مطالب در پژوهشی دیگر با عنوان «نساجی یزد تا دوام خلاقیت و ابتکار»<sup>۳</sup> نیز ذکر شده‌است. علاوه بر این نویسنده یادآور می‌شود در عصر صفوی شهرت بافندگان و نقش‌بندان یزد به جایی رسید که از آن‌ها برای کار در دستگاه‌های نساجی هند دعوت به عمل آمد و از هنر و مهارت آن‌ها در آن کشور استفاده شد.

در پژوهش دیگری با عنوان «تاثیر نقوش ایرانی بر هنر قلم‌کاری هند در دوره صفوی»<sup>۴</sup>، محقق به بررسی نمونه‌های باقی‌مانده قلم‌کاری‌های هندی مربوط به سده‌های یازده تا هفده میلادی پرداخته و نتیجه گرفته هنر قلم‌کاری‌سازی در هند از نظر شیوه‌های تولید و نقوش تحت تاثیر هنر قلم‌کاری‌سازی صفویه است.

آرتور پوپ، از پیشگامان پژوهش‌های هنری در روزگار عصر صفوی و از پژوهشگران ایرانی نیز استاد جلیل ضیاء پور و دکتر بهشتی‌پور، نخستین کسانی بوده‌اند که به بررسی‌های ارزشمندی در این زمینه پرداخته‌اند. این موضوع در مورد هندوستان نیز صادق است. نکته قابل توجه دیگر درباره پارچه‌های قدیمی هند این است که به دلیل شرایط خاص اقلیمی این کشور کم‌تر نمونه‌ای باقی‌مانده است و اغلب تحقیقات معاصرین نیز معطوف به تفاوت و تشابه بافته‌های کنونی نقاط مختلف به‌منظور حفظ آن‌ها است و کم‌تر نگاه تاریخی به دوران مورد نظر این بررسی وجود دارد.

در باره ضرورت انجام این پژوهش دلایلی متقنی وجود دارد از جمله تعلق به حوزه تمدنی - فرهنگی مشابه، مشترکات اعتقادی اسلامی، زبان فارسی که در این زمان به زبان مسلط فرهنگی گورکانیان بدل شده بود، مهاجرت عمده بسیاری از حکما و هنرمندان ایرانی به هند از جمله دلایل اوج‌گیری تبادلات فرهنگی و در نتیجه افزایش شباهت‌های هنری این دو فرهنگ است.

#### ویژگی و شیوه‌های پارچه بافی صفویه

پارچه بافی در ادوار مختلف تحولات بسیاری داشته است، به‌ویژه در دوران صفوی، که با حمایت‌های شاهان صفوی پیشرفت زیادی به دست آورد، به طوری که بسیاری از تاریخ‌نگاران و سیاحان، دوران صفوی را عصر طلایی هنر ایران نامیده‌اند.

دوره صفویه رابی شکمی توان پررونق‌ترین و مهم‌ترین دوران پارچه بافی ایران به‌شمار آورد. حمایت بی‌دریغ



تصویر ۲ - مخمل با الیاف فلزی و تصویر نبرد اسکندر و اژدها، موزه مسکو، ماخذ: Bloom and Blair, 1997, 369

آستان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، منسوجات و اشینگتن دی‌سی، هنرهای زیبای بوستون، انستیتو هنر شیکاگو، متروپولیتن نیویورک و بریتانیا است.

تعداد نمونه آماری برای پارچه‌های صفوی و گورکانی در این پژوهش ۵۱ قطعه پارچه است که از این تعداد ۲۹ قطعه مربوط به دوره صفوی و ۲۲ قطعه دوم، مربوط به دوره گورکانی است.

#### پیشینه و ضرورت پژوهش

در مورد پیشینه و مطالعات صورت گرفته در حوزه پارچه بافی ایران دوره صفوی و هند گورکانی، همچنین

۱- روح فر، زهره نشریه کتاب ماه

هنر، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.

۲- نکاء، بجی، غیاث نقش‌بند، نشریه هنر و مردم، ش ۱، آبان ۱۳۴۱.

۳- شایسته فر، مهناز، نشریه کتاب ماه هنر، آبان ۱۳۸۸.

۴- طالب پور، فریده، نشریه هنرهای زیبا، بررسی تاثیر نقوش ایرانی بر هنر قلم‌کاری هند در دوره صفوی، پاییز ۱۳۸۸.



تصویر ۳- بلاپوش شکار، عهد جهانگیر مغول ۱۶۲۷-۱۶۰۵م، اطلس سوزن‌دوزی شده با ابریشم، موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن

بر مبنای داستان‌های قدیمی است. از این رو می‌بینیم که تاثیر نقاشی و نگارگری در طراحی پارچه‌های این عهد موثر بوده است. (روح فر، ۱۳۸۰، ۴۰)

زندگی پر تجمل شاهان صفوی و شاهزادگان، تقاضا برای پارچه‌های گران بها را بیش‌تر کرد. این موضوع باعث تحول در هنر بافندگی شد. آخرین پادشاه صفوی، سلطان حسین، زندگی پر تجمل را به اندازه‌ای دوست داشت، که خود را در میان انواع پارچه‌های زیبا و زربفت مغروق ساخت. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۱۶۸)

در میان صنایع دوره صفوی، پارچه‌بافی مهم‌تر از همه بود، شاهان صفوی به این صنعت - هنر علاقه و اهتمام بسیار داشتند، چنان‌که شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۵ ه.ق، ۱۵۲۴-۱۴۹۹ م)، هنرمندان را به تولید انواع پارچه‌های ابریشمی و نخی تشویق می‌کرد.

مراکز صنعتی نو ساخت و تجارت با ترکیه، هندوستان و چین را توسعه داد. در زمان شاه تهماسب (۹۸۳-۹۳۰ ه.ق، ۱۵۷۵-۱۵۲۴) در قزوین، مکتب هنری خاصی در بافندگی به وجود آمد که از ویژگی‌های طرح‌های به‌کار رفته در آن نقش ترنج، گل، گیاه و شکار می‌اشد. در زمان شاه عباس اول سبک تازه‌ای پیشرفت کرد، که شاخصه‌های آن استفاده از نقوش گل و گلدان بود. (دیماند، ۱۳۶۵، ۲۴۵)

بافته‌های دوره صفوی را از نظر طرح و نقش می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: در دوره اول، خواجه غیاث‌الدین نقش‌بند سبکی به وجود آورد که از ویژگی‌های آن استفاده از طرح‌ها و نقوش کوچکی بود که هماهنگی خاصی را

پادشاهان صفوی و ایجاد کارگاه‌های بافندگی شاهی در پایتخت‌های صفوی و پدید آوردن مراکز بافندگی جدید و توسعه بازرگانی، به ویژه در زمینه بافته‌های گوناگون که ابریشمین‌های زربفت مهم‌ترین آن‌ها را تشکیل می‌دادند، هنر بافندگی را در عصر صفویه به اوجی رسانید که در دوره اسلامی نه پیش‌تر از آن پدید آمده بود و نه هرگز پس از آن پدید آمد. بافته‌های عصر شاه عباس بزرگ، زیباترین نمونه‌های این دوره به‌شمار می‌آیند.

طراحان بزرگی همچون غیاث‌الدین نقش‌بند، عبدالله و غیره به استادی نگارگران زمان، طرح‌های پیچیده، نقش‌های انسان، حیوان، گل، گیاه، کوه و دشت را بر پارچه نقش می‌زدند. (قدیانی، ۱۳۸۴، ۱۴۶) امروزه کم‌تر موزه یا مجموعه مهمی در سراسر جهان را می‌توان یافت که نمونه‌هایی از بافته‌های این دوره را در میان گنجینه‌های خود نداشته باشد. موزه‌های متروپولیتن، هنرهای زیبای بوستون، منسوجات واشنگتن، ویکتوریا و آلبرت، ملی تهران و بسیاری دیگر از موزه‌ها و مجموعه‌های مشهور جهان، نمونه‌های بافته‌های این عصر را در خود نگه‌داری می‌کنند.

در عهد صفوی (۱۱۳۵-۹۰۵ ه.ق، ۱۷۲۲-۱۴۹۹ م) هنر نساجی به گذشته خود بازگشت و نقش پارچه‌ها از نفوذ هنرچینی‌رهایی یافت. در شیوه بافتن پارچه نیز ابداعاتی صورت گرفت، درکنار بافتن پارچه‌های پشمی، ابریشمی و حریر، ابداع مخمل‌بافی هم رونق یافت. از طرفی استفاده از نقش انسان در پارچه‌ها بیش‌تر مورد توجه هنرمندان قرار گرفت. نقش انسان در پارچه‌های عهد صفوی گاه نیز

۱- پارچه‌ای که در آن رشته‌های طلا به‌کار برده‌باشند (لحتشامی، ۱۳۹۰، ۷۸)  
۲- از طرح‌های قراردادی هنرهای تزئینی ایران، آن چهار گوشه بیخ و خم داری است که در وسط آن برگ‌هایی طراحی شده‌باشد. (همان، ۴۱)





تصویر ۵- پارچه با نقش گل‌های شاه‌عباسی و اسلیمی، عصرشاه جهان، سده ۱۶۵۸-۱۶۲۸م، ماخذ: Purdon, 1996, 17

بافندگان دوره صفوی در ابریشمینة‌های گل‌دار خود، طرح‌های ظریف و رنگارنگ نیز وارد می‌کردند و از این طریق به بافت‌های چند تار و پودی یا جناغی، زمینه‌های طلائی براق بخشیدند. (طالب پور، ۱۳۸۶، ۱۳۶)

مستشرقین و سیاحانی که در دوره صفوی به ایران در سفر کرده بودند به بیان اوضاع سیاسی، اجتماعی و تجاری ایران پرداخته‌اند، از جمله سیوری که در کتاب ایران عهد صفوی می‌نویسد: «علاوه بر تولید مصنوعات بافته‌شده و زربفت و مخمل‌هایی با عالی‌ترین کیفیت، صنعتگران صفوی در گلدوزی و قلم‌کارسازی نیز بر گذشتگان پیشی گرفتند.» (سیوری، ۱۳۷۲، ۱۳۸)



تصویر ۶- مخمل ابریشمی، سده ۱۱ هـ - ۱۷ م، اصفهان، ماخذ: Bunt, 1963, 34

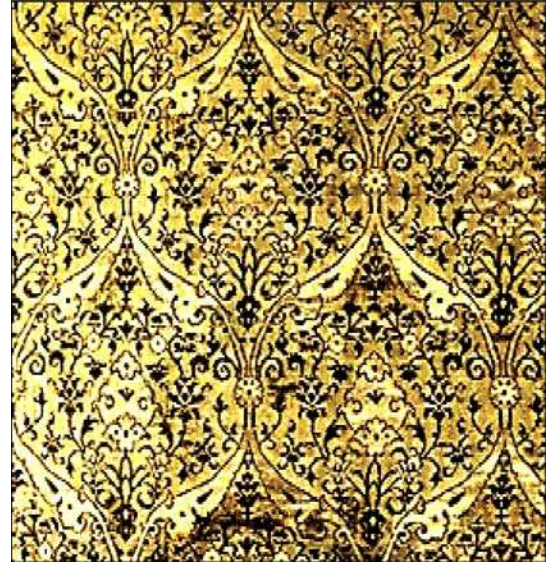
۱- نوعی روش تزئینی سطح یا زمینه در هنرهای کاربردی و سنتی است که در آن از شکل گنچه، گل، شاخ و برگ گیاهان استفاده می‌شود. (احتشامی، ۱۳۹۰، ۲۹)

۲- در مکتب اصفهان باغ‌ها و گل‌ها بسیار زیباتر و پرشکوه‌تر شدند و افراد در نگارگری لباس فاخر و مجلل داشتند. در این دوره تعداد افراد در نگارگری کاهش یافت، تک‌چهره‌ها افزایش یافتند. لباس‌ها بسیار دقیق‌تر طراحی شدند. (پاکبان، ۱۳۸۵، ۸۲)

۳- در پارچه جناغی نخ‌های تار یا پود از روی دو عدد و یا بیشتر از روی یکدیگر می‌گذرند. نقطه‌ای که هریک از آن‌ها از زیر نخ دیگر رد می‌شود، ردیف به ردیف برای این که به صورت خطوط مورب نمایان شود، با دیگر متوازی می‌شود. (برند، ۱۳۸۳، ۴۵)

۴- نام قسمتی از پارچه که از ابریشم بافته می‌شود، پرنیان، دیبا، دل‌واله، (۱۳۲۰، ۱۱۲۲)

۵- نوعی گل برجسته که در پارچه‌های ابریشمی به کار می‌رود. (احتشامی، ۱۳۹۰، ۶۷)



تصویر ۴- پارچه دوره صفوی با نقش اسلیمی، ماخذ: Bunt, 1963, 34

در سطح پارچه و طرح ایجاد می‌کردند. شیوه طراحی و نقش‌بندی غیاث‌الدین از طرح‌های سده دهم یعنی دوره اول سلطنت صفویان اقتباس شده و خود او موجد دو ابتکار فنی بافت پارچه‌های چندتایی و مخمل بوده است. غیاث در ایجاد طرح‌های گوناگون و انتقال آن بر روی پارچه مهارتی به‌سزا داشت. (روح فر، ۱۳۸۰، ۴۲)

در دوره دوم، طرح‌ها و نقوش بافته‌ها، متأثر از سبک‌نگارگری مکتب رضا عباسی بود. سبک خاص و ممتاز رضا عباسی که با آثار غیاث‌الدین تفاوت بسیار داشت، در طرح انواع مخمل‌ها استفاده شد. در این شیوه به ای آن‌که نقش‌های کوچکی رسم شود، تا در یک طرح کلی و حرکتی مشترک با هم رابطه و تناسب پیدا کنند، تصویرهای بزرگی طراحی می‌شد و نقوش فرعی تنها برای پرکردن فضای خالی به کار می‌رفت. با در دسترس قرار گرفتن ابریشم طبیعی، شیوه‌ای نوین در پارچه‌بافی ایجاد شد، که از یک طرف تکامل طرح اسلیمی<sup>۱</sup> و از طرف دیگر ترقی نقش گلبرگ‌های طبیعی، در ایجاد این شیوه تأثیر فراوان داشت. (پوپ، ۱۳۸۰، ۲۱۶)

بافته‌های صفوی، به‌ویژه بافته ابریشمی، همواره مورد توجه جهانیان بوده است. این پارچه‌ها نه تنها طرح و نقش بدیع و نوظهور داشتند، بلکه از نظر تنوع رنگ نیز بی‌نظیر بودند. بسیاری از پارچه‌های ابریشمی این دوره به آثار مکتب اصفهان<sup>۲</sup> شباهت دارد. (روح فر، ۱۳۸۰، ۱۴۲)

در آغاز دوره صفوی، تبریز، کاشان، یزد، اصفهان و غیره از مراکز مهم بافندگی بودند؛ در این شهرها حریرهای زربفت، پارچه‌های ابریشمی، مخمل و منسوجات خاص دوره صفوی همچون پارچه‌های جناغی باف‌نخی<sup>۳</sup>، اطلس<sup>۴</sup>، ابریشمینة‌های گل برجسته چینی، نیلوفر گل شاه‌عباسی<sup>۵</sup> زری و مخمل تولید می‌شد.





تصویر ۸ - مجلس بزم بر یک پارچه ابریشمی، سده ۱۰ هـ ق - ۱۶ م،  
تبریز، ماخذ: Bunt, 1963, 47



تصویر ۹ - مجلس بزم به تاثیر از نمونه‌های صفوی، در یک پارچه  
قلم کار هندی، گلکنده، ۱۶۲۵ م، ماخذ: Chisti, 2000, 22

هنر رقم خورد و یکی از اوج‌های درخشان نگارگری اسلامی  
با نظارت نگارگری ایرانی پایه‌ریزی شد.

در زمان اکبرشاه، جهانگیر و شاه جهان روابط هنری  
ایران و هند گسترده بود و پایان حکومت اورنگ زیب  
نیز همانا به توقف هنر مغولی انجامید. طراحان پارچه در  
این زمان یا تحت تاثیر مدل‌های ایرانی بودند و یا از ایران  
می‌آمدند، مثل شفیع عباسی<sup>۱</sup> که در دوره اورنگ زیب به هند  
سفر نمود. (Spuhler, 1978, 198)

در نتیجه نگارگری در دوره گورکانی هند تاثیر به‌سزایی  
در طراحی نقوش پارچه‌ها داشته‌است. اکبرشاه که به دلیل  
تبعید پدرش همایون به ایران دوران نوجوانی خود را  
در دربار صفوی گذراند، پس از رسیدن به فرمانروایی  
به توسعه کارگاه‌های سلطنتی پرداخت و دستگاه‌های  
پیچیده‌تری را که در ایران رایج بود، برای بافت ابریشم  
زربفت به همراه استادان این فن به هند آورد تا به‌عنوان مربی  
و ناظر، شیوه‌های جدید را به بافندگان هندی بیاموزند.  
(Harris, 1993, 110)

اکبرشاه توانست کارگاه‌های بزرگ درباری را گسترش  
دهد. او از موقعیت صنایع در دیگر کشورها آگاه بود و از  
این‌رو از آثار استادان شهیر بافنده ایرانی نیز برخوردار بود.  
در کتاب آیین اکبری<sup>۲</sup> آمده «اکبر با غیاث‌الدین علی نقش‌بند  
یزدی، سرآمد استادان نقش‌پردازان پارچه ایران در دربار



تصویر ۷ - مخمل ابریشمی با نقش برجسته قوش باز و گل شش پر،  
سده دهم هـ ق، موزه منسوجات واشینگتن، دی سی، شماره ۳/۲۱۹

منظره باغ، مضمون تصویری بسیار متداولی بود. باغ ایرانی  
عموما محصور در پشت دیوار یا پرچین است، و در آن  
چند نوع درخت سایه‌افکن مانند چنار، سرو، توت و غیره  
وجود دارد.

نقوش گل‌هایی که بر روی پارچه‌های ایرانی می‌بینیم،  
نقش گل سرخ، لاله، زنبق و یاسمن است و اغلب گل‌ها دسته  
کرده نقش شده و در واقع برای تزئین پارچه به کار رفته و  
بیش‌تر در میانه برگ‌های خرما به صورت مخروطی نقش و  
بافته شده‌است.

از پرندگان بیش‌تر نقش گنجشک، بلبل و طاووس  
مشاهده می‌شود و از حیوانات شیر، اسب و غزال را بر  
پارچه‌ها نقش می‌کرده‌اند. (والگرو، ۱۳۷۴، ۱۶۲) موضوعات  
به کار رفته در طراحی پارچه‌های عصر صفوی، شامل  
داستان‌های رزمی، به تصویر کشیدن انسان در مجلس بزم  
و شکار، امیرزاده‌های سوار بر اسب با مهتران‌شان، کاربرد  
نوشته در تزئین پارچه و استفاده از طرح‌های انواع گل‌ها،  
حیوان و انسان است که البته در میان آن‌ها از نقش‌مایه‌های  
دوران ساسانی نیز استفاده شده‌است.

همچنین طراحان دوره صفوی در تزئین پارچه‌ها از  
افسانه‌ها و ادبیات ایران مانند شاهنامه و خمسه نظامی  
بیش‌تر الهام گرفته‌اند. (بیکر، ۱۳۸۵، ۱۲۷)

### ویژگی و شیوه‌های پارچه بافی گورکانی

سلسله گورکانیان هند با پادشاهی بابر از سال ۱۵۲۶  
میلادی آغاز گردید، آن‌ها پادشاهانی ترک‌تبار و از نوادگان  
تیموریان بودند که حمایت گسترده‌ای از هنر و فرهنگ  
دوران خود نمودند. پناه همایون به دربار ایران و تغییر مشی  
شاه تهماسب صفوی در حمایت از نگارگری ایرانی مقدر  
ساخت تا برگی دیگر از کتاب آرایه جهان اسلام این بار در

۱- شفیع، عباس بن رضا عباسی،  
نقاش معروف دوره شاه عباس دوم.  
(معین، ۱۳۶۲، ۹۰۶)

۲- بزرگ‌ترین دستاورد ادبی ماندگار  
ابوالفضل کتاب اکبرنامه است که  
تاریخ نگاری رسمی حکم رانی اکبر  
شاه می‌باشد که در سه جلد تحریر  
شده و جلد سوم آن به نام آیین اکبری  
شناخته می‌شود.



تصویر ۱۰- روکش قبر کتیبه دار، پارچه زری، سده ۱۱ ه. ق ۱۷ م، اصفهان، موزه ملی ایران

و گیاه طبیعی رواج داشت. افزون بر شیوه‌های بافت منقوش، رنگ آمیزی پارچه در هند از سابقه طولانی برخوردار بود. پارچه‌ها به دو طریق تزئین می‌شد: یکی قلم‌کاری و دیگری رنگ‌زری و نقاشی که این روش در زمان گورکانیان به منتهای درجه ترقی خود رسید. (دیماند، ۱۳۶۵، ۲۵۵)

مخمل‌های بافته شده با پرز تابناک ابریشم و الیاف طلا در میان مجلل‌ترین تولیدات دستگاه‌های بافندگی قرار دارد. مخمل به عنوان کف‌پوش، پرده، خیمه و دیوارکوب به کار می‌رفت. در واقع ایده استفاده از مخمل به عنوان کف‌پوش به دنبال واردات فرش‌های ایرانی به هند در عصر اورنگ زیب شکل گرفت. بهترین مخمل‌های ابریشم نیز متعلق به فاصله زمانی اکبرشاه تا اورنگ زیب است، چرا که این دوره، اوج هنر و صنعت مغولان هند بوده است. در زمان اکبرشاه، مخمل‌های خوش بافت هند قابل مقایسه با بهترین مخمل‌های کاشان و هرات بود. (همان، ۱۸) در هند زربفت‌ها با ابریشم خام بافته می‌شده که بیش‌ترین بافت‌زری در شهر سورات هند انجام می‌شده است.

طرح پارچه‌های زری، بته‌دار، شکارگاه و غیره است. در بنارس با طرح بته‌جقه در زمینه آبی تیره و الیاف طلا و نقره‌سازی خاصی تهیه می‌شد. منسوجات سنتی هندی اغلب ساده و بی‌نقش بود و به دلیل به‌کارگیری شیوه‌هایی همچون ایکات و باندنی دارای نقوش نواری، راه‌راه، جناغی و خال‌دار بودند. در دوران مغولان این‌ها همه تغییر کرده و موضوعات گیاهی و گل‌ها به سبکی طبیعت‌گرایانه حاکم گردید. در سده ۱۶ م، نقوش ایرانی گل‌ها جایگزین نقوش قدیمی شد. در دوره اکبرشاه گل‌های نیمه‌شکفته، در عصر جهانگیر گل‌های کاملاً شکوفان و در روزگار شاه جهان شکوفه‌های کوچک با تاکید بر برگ‌ها به تصویر کشیده شد. (بلر، ۱۲۸۱، ۱۷۲)

**بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی**  
بررسی نقشمایه‌های به کار رفته در پارچه‌های صفوی

شاه عباس، آشنا بوده است». هم‌زمان با حکومت مغولان در شمال هند، اروپائیان به سواحل هند آمدند و تاجران به زودی دریافتند تجارت شکوفایی از منسوجات قلم‌کارا نخی بین ایران و هند در مسیر جنوب شرقی برقرار است، آن‌ها نیز وارد این عرصه شده و به این تجارت سودآور پرداختند. (Gillow and Barnard, 1996, 12)

منسوجات، به ویژه نمونه‌های فاخر و مجلل نقش مهمی در نمایش شکوه و جلال شاهان سلسله گورکانی داشته‌اند. خیمه‌های باشکوه یکی از جالب‌ترین موارد استفاده پارچه‌ها بوده است. پارچه‌های شال با بافت کجراه تهیه می‌شدند و شیوه نقش‌اندازی در حین بافت نیز در آن‌جا بر روی پارچه‌های مخمل و زری دیده می‌شود. ابوالفضل علامی آبه‌علاقه وافر اکبرشاه به انواع منسوجات نیز اشاره کرده است و این خود دلیل بر وفور انواع بافته‌های ایرانی، اروپایی و غیره در کشور است.

در ضمن تمایل وی به منسوجات، باعث جذب هنرمندان بسیاری شد که سبک پیشرفته بافندگی کشور خویش را به مردم می‌آموختند. در زمان وی بافت پشم و کرک و ابریشم‌بافی به‌نحوی پیشرفت کرد که کارگاه‌های سلطنتی آگرا، فاتح‌پور، احمدآباد و لاهور می‌توانست انواع بافته‌های دیگر کشورها را تولید کنند. (Dhamija and Jain, 1989, 65)

چیت یکی از مشهورترین منسوجات صنایع پارچه‌بافی جنوب شرقی هند است که از پارچه‌های نخی و نقاشی، یا چاپ شده گل‌کنده تولید می‌شد. اولین نمونه‌های صادراتی آن به اروپا شامل تصاویر پیکره‌های انسانی اعم از هندی و بعدها اروپایی بود. در دوره سلاطین بزرگ بابر و بسیاری از اشکال هنر ایران، از جمله طرح‌ها و نقوش بافته‌های دوره صفوی، در هند رواج یافت. منسوجات مغولی زیر نظر دربار بافته می‌شد و طرح‌ها و نقوش آن‌ها ترکیبی از نقوش ایرانی و هندی بود و تولید پارچه‌های مخمل با نقش‌های گل

۱- نوعی از نقوش رنگارنگ، که به وسیله مهر یا قالب ایجاد می‌شود. (احتشامی، ۱۳۹۰، ۱۲۴)

۲- ابوالفضل بن مبارک، معروف به ابوالفضل علامی یا ابوالفضل دکنی ادیب، تاریخ نگار و منشی اول و معتمد اکبرشاه، بزرگ‌ترین پادشاه گورکانی هند بود.





تصویر ۱۲ - ابریشم دولا، اواخر سده ۱۰ هـ.ق، موزه بریتانیا



تصویر ۱۱ - روپوش قبر از ابریشم زربفت و با نقش محرابی و زمینه هزارگل، یزد، سده ۱۱ هـ.ق. ماخذ: پورپیران، ۱۳۷۴، ۷۷

قابل تشخیص است. اولین نمونه که در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد، جفت بالاپوش<sup>۲</sup> ارزشمند باقی مانده از عصر صفوی؛ یکی از مخمل پرزچین با زمینه نخودی و نقوش جوانان باده‌نوش متناوب با بوته‌ای از گل است. زمینه نخودی یا کرم به وفور بر پارچه‌های ایران دیده می‌شود که با رنگ‌های هم‌خانواده همچون نارنجی و قهوه‌ای و غیره گرمای دلپذیری دارد. به کارگیری رنگ‌های هم‌خانواده برای ایجاد مضامین لطیف‌تر زمینه لازم بود. شیوه طراحی نقش انسان در این بالاپوش، با تاثیر از طراحی در نگاره‌های مکتب رضاعباسی است و بدین‌گونه ارتباط بین نقوش پارچه‌های عصر صفوی با نگارگری را به وضوح می‌توان مشاهده نمود. مهم‌ترین عامل شکل‌گیری منسوجات صفوی قدرت ترکیب طراحان در خلق آثار منسجم است. طراحان صفوی توانمندی زیادی در ترکیب نقش انسان با دیگر نقوش داشته‌اند. (تصویر ۱)

نمونه دیگری از پارچه‌های دوره صفوی در این گروه، بالاپوشی مخملی است که در موزه‌ای در روسیه قرار دارد و نبرد با اژدها را به تصویر کشیده است. این بالاپوش اطلس منقوش به نبرد اسکندر و اژدها بر زمینه آبی روشن به رنگ سبزچمنی و آبی خاکستری اجرا شده است.

و گورکانی موضوع این بخش است. همان‌طور که اشاره شد، پارچه‌های صفوی با نقشمایه‌هایی مانند گل و گیاهان، هندسی، خط‌نگاره و پیکره‌های انسانی و حیوانی، برگرفته از نگارگری نسخه‌های خطی، طراحی می‌شدند. پارچه‌های گورکانی نیز با نقشمایه‌های گیاهی، هندسی، انسانی و حیوانی تزئین می‌شدند. از این رو در این پژوهش، نمونه‌ها در سه گروه، نقشمایه‌های گیاهی شامل گل‌ها، برگ‌ها و درختچه‌ها؛ نقشمایه‌های انسانی و حیوانی؛ خط‌نگاره‌ها شامل آیات قرآن، احادیث، ادعیه و اشعار بررسی می‌شود.

#### کاربرد نقشمایه‌های گیاهی

این گروه بخش وسیعی از نقوش به کار رفته در پارچه‌های صفوی و گورکانی را با تنوعی وسیع به خود اختصاص می‌دهد. انواع گل‌های لاله، نسترن، نیلوفر، زنبق، بته‌جقه و نیز انواع گل‌های شاه‌عباسی که در همین دوران مورد استفاده هنرمندان قرار می‌گرفت. جنس بیش‌تر این پارچه‌ها که به سفارش دربار دو دولت مورد اشاره تهیه می‌شد مخمل و زری ابریشمی بود که در انواع پارچه‌های درباری همچون پرده‌ها، پوشش مقابر و سفره‌ها استفاده می‌شد.

بررسی تطبیقی در چند جفت پارچه مشابه صفوی و گورکانی انجام شده که تشابهات آن‌ها در نقش به سادگی

۱- نوعی گل که روی پارچه‌های ترمه و قلم کارپدید آرنند. (احتشامی، ۷۹، ۱۳۹۰)

۲- جامه‌ای نسبتاً بلندی که روی لباس‌های دیگر پوشند. (دلاواله، ۱۲۸۰، ۱۱۶)



می‌شود. این پارچه که زمینه‌ای کرم‌رنگ و نقش طرح مشبکی دارد، در هر واحد آن چهار برگ، دو غنچه، دو گل چارپر قرمز رنگ با پیچک‌هایی به یکدیگر وصل شده و درون آن‌ها گل‌های شاه‌عباسی قرار دارند.

دیگر رنگ‌های مورد استفاده در این پارچه، قرمز، نارنجی، سبز، سیاه متمایل به سرمه‌ای است. طرح و نقش این پارچه در تزئین پوشش یکی از پیکره‌های موجود در نقاشی به جا مانده از محمد زمان، نقاش دوران صفوی، نیز دیده می‌شود. این پارچه، در مجموعه دیوید در کپنهاک دانمارک نگه‌داری می‌شود. در نمونه مشابه آن (تصویر ۵) گل شاه‌عباسی در بین اسلیمی تکرار شده و همراه با گل‌های دیگر، زمینه را پر کرده است. البته گل شاه‌عباسی در نمونه پارچه صفوی، طبیعت‌گرایانه ترمی باشد.

در این جا نیز به خوبی تاثیر نقوش گیاهی شامل گل شاه‌عباسی و یا اسلیمی در پارچه‌های دوره صفوی بر تزئینات پارچه‌های گورکانی قابل ملاحظه است. کاربرد گل شاه‌عباسی از تزئینات گیاهی در میان نقوش پارچه‌های صفوی بسیار به چشم می‌خورد. (تصویر ۶)

**کاربرد نقشمایه‌های انسانی و حیوانی**

این گروه نقشمایه‌ها شامل مناظر داستان‌های رزمی و بزمی ایران مانند شاهنامه و آثار نظامی، تصاویر بزرگان ایرانی در حال شکار یا مجلس بزم و طرب، تصویر شکارگران با ابزار آلات مربوط به شکار، یا حیوانات درنده در حال جدال می‌باشد. لباس‌های غالب افراد در این گونه تصاویر، از انواع لباس‌های فاخر و مخصوص درباریان است. از اواخر سده نهم ه.ق - پانزدهم م تمایل زیادی به جنبه تصویری و نقش و نگار پیکره دیده می‌شود. (طالب پور، ۱۳۸۶، ۱۳۵) از جمله نمونه‌های به دست آمده از این گروه، پارچه‌ای مخمل با نخ‌های فلزی متعلق به سده ۱۰ ه.ق - ۱۶ م است، که در مجموعه مکی نگه‌داری می‌شود.

طرح این تصویر حالتی مشبک دارد و داخل قاب‌ها تصویر دو فرد در کنار درخت دیده می‌شود. درحالتی که یکی از آن‌ها دارای جامه‌ای فاخر با کلاهی به سبک قزلباش‌ها و پرنده‌ای (قوش) است که روی دست او نشسته و دیگری در کسوت ملازم آن فرد است. در این نمونه تصویر یک قوش باز یا کسی که شاهین شکار می‌کند، نشان داده شده است. نوع پوشش و حالات این دو فرد برگرفته از نگاره‌های دوران صفوی است که در میان قاب‌ها با نقش‌های پیچان گل و بوته‌ای تزئین شده است. (تصویر ۷)

از دیگر نمونه‌هایی که به خوبی می‌توان تاثیر هنر نگارگری را بر نقوش پارچه‌ها مشاهده کرد، پارچه‌ای ابریشمی متعلق به میانه سده ۱۰ ه.ق - ۱۶ م است. نقوش بر روی پارچه قلاب‌دوزی شده و طرح آن مجلس بزمی باشکوه را نشان می‌دهد. در مرکز تصویر، باغی باشکوه با درختان بی‌شمار، حوض و جوی آب طراحی شده، که در بخش بالای آن فردی نشسته بر روی تخت، همراه با ملازمان در اطراف

این پارچه در روسیه به نام داماسک قزلباشی مشهور است و احتمالاً به عنوان هدیه‌ای از سوی سفیر ایران به تزار ایوان ایروانویچ (اواخر سده ۱۶م) اهدا شده است. (تصویر ۲)

نمونه مشابه بالا پوش گورکانی، متعلق به عصر سلطنت جهانگیر است که بر آن نقوش با بخیه‌های ظریف هنرمندان گجراتی از ابریشم سوزن‌دوزی شده است. رنگ‌های ملایم و هم‌خانواده آن تاثیر هنر ایرانی را نشان می‌دهد اما طبیعت، گیاه و حیوان، اجزای بسیار واقع‌گرایی دارند که مختص هندی‌ها است، همچنین بر روی آن هیچ تصویری از انسان که نقش اصلی در دو نمونه ایرانی فوق‌الذکر بود، دیده نمی‌شود. وحاشیه‌ای از گل‌ها و اسلیمی بر لبه آن سوزن‌دوزی شده است. طراحی آن به ویژه صحنه شکار آهو توسط پلنگ و لک‌لک‌ها ایرانی است. این بالا پوش به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن تعلق دارد. (غروی، ۱۳۸۵، ۱۶۸) (تصویر ۳)

با مشاهده نقوش به کار رفته در دو نمونه مورد اشاره، به خوبی تاثیر نقوش پارچه‌های صفوی بر بافته‌های گورکانی دیده می‌شود. سراسر این لباس تشریفاتی، پوشیده از نقوش گیاهی و حیوانی است. این دو نمونه، شباهت‌های قابل توجهی نسبت به یکدیگر دارند.

از دیگر نقوشی که کاربرد آن در همه هنرها در دوران صفوی به اوج شکوفایی و تکامل رسیده؛ نقش اسلیمی است. اسلیمی، نوعی روش تزئینی سطح یا زمینه در هنرهای کاربردی و سنتی است که در آن از شکل غنچه، گل، شاخ و برگ گیاهان استفاده می‌شود. اشکال گیاهی مانند خرما، انگور و انار بر اثر قوه تخیل و ابتکار هنرمندان دوره‌های مختلف تغییر یافته، به اشکال انتزاعی تبدیل شده‌اند. یکی از نمونه پارچه‌های صفوی که در آن از نقش اسلیمی استفاده شده، پارچه‌ای از جنس ابریشم و متعلق به سده یازدهم ه.ق - هفدهم م است. نقش این پارچه به صورت قاب‌هایی است، که درون آن‌ها بنا بر اسلیمی‌هایی به صورت قرینه در کنار هم قرار گرفته‌اند. رنگ‌های مورد استفاده در آن کرم، سبز و غیره است. (تصویر ۴)

نقش‌های اسلیمی با توجه به تاثیر فرهنگ‌ها و تداوم طبیعت‌گرایی هنر گورکانی، در پارچه‌های بافته شده گورکانی نیز دیده می‌شود. نمونه‌ای در این مورد، پارچه‌ای متعلق به عصر شاه جهان می‌باشد که جنس این پارچه از پشم و کرک بر ابریشم است.

زمینه این پارچه به رنگ قرمز لاک‌ی و نقش آن نیز طرح مشبکی است که در هر واحد، نقوش گل شاه‌عباسی و گل‌های دیگر در بین اسلیمی‌ها قرار گرفته‌اند. البته اسلیمی به کار رفته در نمونه پارچه صفوی شکلی طبیعت‌گرایانه‌تر داشته و در نمونه پارچه گورکانی اسلیمی، حالتی انتزاعی دارد. دیگر رنگ‌های به کار رفته در این پارچه، کرم، سبز چمنی، زرد و آکر است.

کاربرد گل شاه‌عباسی هم‌جوار برگ‌ها، در مخملی ابریشمی متعلق به اصفهان اواخر سده یازدهم ه.ق - هفدهم م دیده



تخت دیده می‌شوند. همچنین در بخش پایین نیز افراد دیگری مشغول بزم و شادی هستند. در حاشیه بزرگ آن، تصویر فرشته‌های بسیاری در حالی که آن‌ها نیز مشغول شادی و سرورند، بافته شده‌اند.

نوع پوشش افراد با لباس‌های فاخر و کلاه‌های قزلباش، همچنین ترکیب کلی این اثر، بسیار شبیه به نگاره‌های دوران صفوی است. نقش سیمرغ و اژدها در قسمت لچکی مرکز پارچه و دیگر جانوران اسطوره‌ای که در حاشیه کوچک بافته شده‌اند، این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که شاید اقتباسی از داستان‌های شاهنامه باشد. تشابه عناصر و اشکال بافته شده در این پارچه، در نگاره‌ای از دیوان میرعلیشیر نوایی با امضای میرسیدعلی، متعلق به نیمه سده ۱۰ ه.ق - ۱۶ م تبریز دیده می‌شود. (کنبای، ۱۳۸۷، ۵۷) (تصویر ۸) در نمونه مشابه در پارچه گورکانی، تأثیر پارچه بافی صفوی بر پارچه‌های گورکانی قابل مشاهده است. در این جا تأثیر نگارگری بر پارچه‌های تصویری گورکانی هندنیز به وضوح قابل تشخیص است. پارچه نخی قلم‌کار با طرح ترنج در مرکز که دورتادور آن انسان‌هایی در حال بزم در باغی باشکوه با درختان بسیار هستند. بر بالای ترنج پادشاه نشسته و اطرافش مردان و زنانی در حال بزم دیده می‌شوند و در پایین نیز، صحنه شکار وجود دارد. در سراسر این پارچه نقوش گیاهی و درخت پراکنده شده و حیواناتی نظیر فیل، اسب و آهو قابل مشاهده است.

موضوع و نیز طراحی در این پارچه گرده برداری از پارچه‌های عصر صفوی بوده، آن‌گونه که این موضوع بزم، انسان‌ها در خدمت پادشاه و در حال شادی و نواختن آلات موسیقی، نوع ترکیب بندی همه گویای تأثیر نقوش به کار رفته در عصر صفوی بر نمونه‌های گورکانی است. نمونه‌هایی از این طراحی بر پارچه‌ها در عصر صفوی گویای ارتباط نگارگری و نقوش اجرا شده بر پارچه‌ها می‌باشد. رنگ‌های به کار رفته در این پارچه قرمز، زرد، سبز و غیره است. در تصاویر منقوش با پیکره‌های هند، تقارن و توالی در تکرار دیده نمی‌شود. وضعیت روایی و اهمیت آن‌ها، مکان و فضای لازم برای هر پیکره را تعیین کرده است. در مجموع ترکیب بندی عناصر از قوانین خاصی پیروی نمی‌کنند و برخلاف نقوش ایرانی، در موضوعات روایی سعی شده تا حداقل در حاشیه‌ها از تکرار و تقارن استفاده شود. (تصویر ۹)

#### کاربرد تزئینات خط نگاره (خوشنویسی)

تزئین پارچه‌ها و نوشته با استفاده از خطوط نسخ، نستعلیق و ثلث، از روش‌های تزئینی است که در دوران صفویه متداول شد. نوشته‌ها بیش‌تر در تزئین روپوش قبرها، پرده و یا پوشش مکان‌های مقدس به کار می‌رفت. نوشته‌ها اغلب به صورت قرینه طراحی می‌شدند؛ گاهی آیات قرآنی، ادعیه، احادیث و اشعار و بعضاً نام بافنده نیز در پارچه بافته می‌شد. (طالب پور، ۱۳۸۶، ۱۳۴) اولین

نمونه از این گروه، پارچه‌ای زری با کتیبه متعلق به سده ۱۱ ه.ق - ۱۷ م، از اصفهان است که برای پوشش قبر استفاده می‌شد و اکنون در موزه ملی ایران نگه‌داری می‌شود. زمینه این پارچه طلایی رنگ و با نقش ترنج‌های متقاطع تزئین شده است. داخل ترنج‌ها به صورت تکراری آیات ۱ تا ۳ سوره نصر (پی نوشت) به خط نستعلیق بافته شده است. در دوره صفوی معمولاً روی پارچه‌هایی که در مقابر یا در مراسم مذهبی استفاده می‌شد، آیات قرآن و دعا کتابت می‌شد. (همان، ۵۴) (تصویر ۱۰)

نمونه دیگری از پارچه‌های صفوی با نقش خوشنویسی و گیاهان، از جنس زری بافت یزد متعلق به سده ۱۱ ه.ق - ۱۷ م، در موزه ملی ایران نگه‌داری می‌شود. این پارچه نیز در پوشش قبر کاربرد داشته و بر حاشیه آن دعای صلوات بر چهارده معصوم، به خط ثلث جلی بافته شده و متن این پارچه با طرح محراب تزئین شده است.

بالای طرح محراب درون یک ترنج کوچک کلمه الله با خط کوفی معقلی و درون کلمه سوره الفاتحه نوشته شده است. زمینه پارچه، دارای نقوش گل و بوته بوده و درون گل‌های شاه عباسی، نام بافنده آن یعنی غیاث نقش بند به خط کوفی بافته شده است. (روح فر، ۱۳۸۰، ۶۰-۵۹) (تصویر ۱۱)

پیش از این گفته شد که در کنار نگارش و کتابت آیات و ادعیه الهی بر روی پارچه‌های صفوی، پارچه‌هایی هم وجود دارند که روی آن‌ها اشعاری از کتب ادبی ایرانی همچون شاهنامه و خمسه نظامی نقش شده که بیش‌تر به سبک نقاشی مکتب اصفهان است. یکی از نمونه‌ها، پارچه ابریشمی دولا متعلق به سده دهم ه.ق - شانزدهم م است. بافت آن ساده و نقش آن تکرار متناوب سه نقش یوسف و زلیخا، شیرین و خسرو و لیلی و مجنون است که درون قاب‌هایی جا گرفته‌اند. در میان این قاب‌ها، کتیبه‌هایی به خط نستعلیق نوشته شده که مضمون آن‌ها چنین است «آرام بخواب، از دوستی ما اخبار میمونی برخواهد خواست».

در نگارش اشعار ادبی در منسوجات صفوی، از مضامین عاشقانه و عارفانه نگاره‌ها و نسخه‌های خطی مکتب اصفهان بسیار استفاده شده و ارتباط نزدیک طراحان پارچه و نگارگران دوران صفوی باعث نمود چنین آثار زیبایی گردیده است. (بیکر، ۱۳۸۵، ۱۲۸) (تصویر ۱۲) اما برخلاف حکومت صفوی از نمونه پارچه‌های گورکانی، متاسفانه پارچه‌ای با نقوش و کاربرد خط با مضمون ادعیه، احادیث، شعر و ادبیات به دست نیامده است، البته این موضوع، وجود پارچه‌هایی با کتیبه‌های ادبی در حکومت گورکانی را رد نمی‌کند.

به نظر می‌رسد استفاده از خوشنویسی در پارچه‌ها، مواردی خاص بوده و به همین دلیل شاید بتوان گفت پارچه‌هایی با چنین نقوش، نسبت به پارچه‌هایی با نقوش گیاهی از تنوع کم‌تری برخوردارند.

جدول ۱- مقایسه تطبیقی نقوش پارچه‌های ایران صفوی و هند گورکانی

نقوش	ایران - صفوی	هند - گورکانی	توضیحات
گیاهی			<p>گل و گیاهان که نشان‌گر علاقه صفویان به باغ و بوستان است، نقش قابل توجهی بر پارچه‌های آن‌ها دارد.</p> <p>این نقش باستانی که در آشور و بین‌النهرین و ایران باستان دیده می‌شود، در گذشته نماد درخت مقدس، خرمی و مظهر رمزی مذهبی بوده است. همچنین نقش درخت، نقش پرکاربردی در تزئین پارچه‌های گورکانی بوده است.</p>
			<p>گاهی گل‌ها به‌طور تجریدی و مکرر برای تزئین پارچه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.</p>
			<p>گل شاه‌عباسی و اسلیمی‌ها به‌عنوان نقش اصلی نیز در بعضی پارچه‌های مخمل و سوزن‌دوزی که به‌عنوان کف‌پوش یا خیمه و غیره کاربرد داشته‌اند، نیز دیده شده است.</p>
			<p>نقش بته‌جقه که در پارچه‌های ایران و هند هر دو به‌کار گرفته شده است، در اصفهان، در سده ۱۱ ه.ق برای تزئین اطلس و در کرمان نیز برای تزئین شال پشمین در اواخر سده استفاده شده است. شال‌های کشمیر سده ۱۷ م نیز به‌نقش بته‌جقه تزئین شده‌اند. اصالت بته‌جقه به احتمال قریب به یقین ایرانی است. بررسی تاریخ شال بافی کشمیر نیز روشن می‌سازد که بته‌جقه پیش از رونق شال بافی در کشمیر وجود نداشته و مهاجرین ایرانی این نقشمایه کهن خود را اوایل سده نهم هجری به کشمیر بردند. ماخذ: پرهام، ۱۳۶۴، ۲۲۵.</p>
			<p>این گل‌ها به‌صورت تک گل یا یک افشانه گل دو یا چند شاخه تصویر می‌شوند. نقوش مکرر گل‌های منفرد علاوه بر پارچه‌های مخمل، زری و غیره در نقش حاشیه شال‌های ایرانی و هندی آن زمان نیز دیده می‌شوند.</p>



نقوش	ایران - صفوی	هند - گورکانی	توضیحات
انسانی	 <p>مخمل ابریشم پرز چین که بانوانی را بر فراز برکه نشان می‌دهد. سده ۱۱ ه.ق. مآخذ: پورپیرار، ۱۳۷۴، ۶۵.</p>	 <p>ابریشم بانقش بانوان در میان درختان سرو و گل‌ها، هند، سده ۱۶-۱۷ مآخذ: م، Khalili, 2008, 148</p>	<p>زن از نقوش انسانی‌ای است که در دوره صفوی با تاثیر از نگارگری آن دوره بر پارچه‌ها نقش شده است، و از آن جا این نقش به یکی از نقوش انسانی پارچه‌های گورکانی راه یافت، همان گونه که در تصاویر گویاست، تصویر زن در کنار درخت و یا گل‌ها از نقوش مشابه در پارچه‌های صفوی و گورکانی است.</p>
	 <p>قوشباز، مخمل ابریشمی بانقش برجسته پرز چین بر متن اطلس نقره‌ای، میان سده ۱۰ ه.ق. موزه منسوجات واشینگتن دی سی</p>	 <p>ابریشم با تصویر مردا ایستاده، سده ۱۶ م، مآخذ: Khalili, 2008, 148</p>	<p>در پارچه‌های صفوی تصاویر انسان، حضور شاه و اشراف را در جشن و شکار و یا صحنه‌هایی از می‌نوشی، سماع نوای چنگ و غیره نشان می‌دهد. این تصاویر همه طبیعت، فضای باز و خارج از عمارت را نشان می‌دهد. تصویر انسان در پارچه‌های گورکانی رواج چندانی ندارد. حضور جنگل نشینان و یا اروپائیان از جمله موارد جالب توجه بافنده هندی است.</p>
حیوانی	 <p>مخمل زربفت بانقش فرشتگان و پرندگان بر زمینه اسلیمی، سده ۱۰ ه.ق. مآخذ: کنای، ۱۳۸۷، ۴۷.</p>	 <p>طاووس به عنوان نماد حیات و زندگی، که در هنرهای مختلف از جمله پارچه‌بافی می‌توان حضور آن را مشاهده کرد.</p>	<p>فرشته از نقوشی است که در پارچه‌های دوره صفوی به تصویر کشیده شده است، اما این نقش در پارچه‌های دوره گورکانی طی سده‌های ۱۷-۱۵ م ملاحظه نشده است.</p>
	 <p>اطلسی بانقش بنه ترمه‌ای، گل‌ها، گلدان و طاووس، مآخذ: پورپیرار، ۱۳۷۴، ۶۸.</p>	 <p>جزیی از یک اویز جیت، هند، تهیه شده برای بازار اروپایی، ۱۷۰۰ م، مزین به نقوش طاووس، طوطی، سنجاقک، پروانه، گوزن، سگ و انسان و غیره بر زمینه شلوغ گیاهان، مآخذ: Khalili, 2008, 163</p>	<p>طاووس به عنوان نماد حیات و زندگی، که در هنرهای مختلف از جمله پارچه‌بافی می‌توان حضور آن را مشاهده کرد.</p>
سیمرغ و اژدها	 <p>نقش از دها و سیمرغ بر روی اطلس، قم مآخذ: عناویان، ۱۳۸۶، ۳۸.</p>	 <p>نقش فیل بر پارچه گورکانی، مآخذ: Chisti, 2000, 22</p>	<p>فیل از نقوشی است که در دوره صفوی در پارچه‌ها به کار نرفته است، اما در منسوجات دوره گورکانی مورد توجه قرار گرفته است.</p>
	 <p>نقش از دها و سیمرغ بر روی اطلس، قم مآخذ: عناویان، ۱۳۸۶، ۳۸.</p>	 <p>نقش اسب سوار در حال شکار، مآخذ: Chisti, 2000, 22</p>	<p>حیوانات اساطیری همچون اژدها و سیمرغ در پارچه‌های ایرانی بسیار و در یک نمونه پارچه هندی نیز دیده شده است. حضور سیمرغ و ترکیب گل و مرغ و پروانه نیز از نمونه‌های اختصاصی صفوی است که به رابطه نزدیک ادبیات و دیگر هنرها اشاره دارد.</p>
	 <p>پارچه ابریشمی بالیاف فلزی، سده ۱۰ ه.ق. هفدهم، متروپولیتین، نیویورک</p>	 <p>نقش اسب سوار در حال شکار، مآخذ: Chisti, 2000, 22</p>	<p>اسب از حیوانات پرکاربرد در تزئین پارچه‌ها می‌باشد. در این تصاویر نقش اسب به همراه سواره بر پارچه صفوی و گورکانی، در کنار گیاهان اجرا شده است.</p>

توضیحات	هند- گورکانی	ایران- صفوی	نقوش
<p>این نقش که به دلیل توجه اسلام به خواندن و خط در ایران رواجی شایسته یافت، در پارچه‌های هندی حضوری نادر دارد. کتیبه‌ها اغلب در زیر نقش محرابی سجاده‌ها با ذکر سجده در پارچه‌های وقف شده به اماکن مقدس همچون مسجد و ضریح امامان به همراه اسامی خداوند، دعا و قرآن و شعر اغلب نام بافنده، تاریخ و سفارش دهنده پارچه و مکان وقف رانیز به همراه دارند.</p>		 <p>پارچه ابریشمی محرمات مزین به شعری درباره ملاقات خسرو و شیرین، یزد، اوایل سده ۱۱ ه.ق، موزه متروپولیتین، نیویورک</p>	<p>کتیبه</p>
<p>پس از اسلام پارچه‌های راه راه را محرمات گفته‌اند و در کشمیر نیز که از دیرباز زیر نفوذ فرهنگی ایران بوده است پارچه و شال راه راه را محرمات می گویند. محرمات در انواع دوو چند رنگ و نیز پهن و باریک دیده می شود. (پرهام، ۱۳۶۴، ۱۹۱)</p>	 <p>شال محرمات پشمی، کشمیر، سده ۱۷ م، ماخذ: عناویان، ۹۸، ۱۳۸۶</p>	 <p>اطلس محرمات بر ابریشم زربفت، اصفهان سده ۱۱ ه.ق، مزین به نقش بته جقه و گل های طوماری، ماخذ: عناویان، ۱۳۸۶، ۹۴</p>	<p>محرمات</p>
<p>طرح محرابی که در ایران به عنوان سجاده و دیوار کوب یا پرده حرم امامان به کار می رفت و اغلب نیز با شیوه مخمل اجرا می شد، در هند کاربرد متفاوت یافت. در آن جا پرده، دیوار کوب یا اویز خیمه بزرگان بود و نه آنکه مختص اماکن مذهبی باشد. زمینه اصلی نقش با افشانه‌ای از گل، قلم کار یا سوزن دوزی پوشانده می شد که به دلیل خالی بودن زمینه، جلوه بیش تری می یافت. در حالی که در نمونه‌های ایرانی فضای خالی تقریباً دیده نمی شود و نقوش بسیار و پیوسته آن را پر کرده است. (خزایی، ۱۱، ۱۳۸۱)</p>	 <p>دیوار کوب نخعی بانقش محرابی، سوزن دوزی با ابریشم، ۱۷۰۰-۱۶۵۰ م، هند، ماخذ: Khalili, 2008, 105</p>	 <p>پرده مخمل شاید آمیخته از سبک هندی و ایرانی، سده ۱۱ ه.ق، ماخذ: ولش، ۴۹، ۱۳۸۵</p>	<p>محرابی</p>
<p>اسلیمی‌ها نیز همچون شبکه‌های هندسی عموماً نقش اتصالی در زمینه پارچه دارند و گاهی نیز به همراه شبکه‌ها در محیط داخل یا خارج اشکال هندسی دیده می شود. پر کردن زمینه نیز از دیگر دلایل به کارگیری این نقشما به است. در طراحی اسلامی، خواه هندسی و خواه اسلیمی صفوی، یک نقشما به از حالت انفراد و تجرد - که با بنیان فلسفه اسلام مغایرت دارد - بیرون آمده و در پیوند و اتصال با نگاره‌های ممکن به صورت حلقه‌ای از یک شبکه همبسته در می آید که می تواند تابی نهایت ادامه یابد. (پرهام، ۱۳۶۴، ۷-۹۶)</p>	 <p>نقش اسلیمی و ختایی بر روی پارچه، ماخذ: Purdon, 1996, 34</p>	 <p>نقش اسلیمی و ختایی بر روی پارچه ابریشمی، سده ۱۱ ه.ق، ماخذ: انیستو هنرشیکاگو</p>	<p>اسلیمی</p>



توضیحات	هند- گورکانی	ایران- صفوی	نقوش
<p>نقش گلدانی با گل‌های افشان از نقوش پرکاربرد در پارچه‌های صفوی و به ویژه گورکانی است.</p>	 <p>گلدانی بر روی پارچه گورکانی ۱۷۰۰م، موزه ویکتوریا و آلبرت، ماخذ: Khalili, 2008, 107</p>	 <p>پرده قلم کاری مزین به نقش محرابی، گلدان با طرح ماهی در هم، سده ۱۱ ه.ق، ماخذ: ولش، ۱۳۸۵، ۶۰</p>	<p>گلدانی</p>
<p>این نقش که مولد لوزی مانند است بر شال‌های کشمیر و نیز ابریشم‌های ایرانی دیده شده است. نقوش درون خشت‌ها در شال کشمیر بوته‌های سه یا چهار گل از چند نوع گل مختلف است و در نمونه‌های ایرانی گل شاه عباسی با دیگر انواع گل و برگ‌های تجریدی نقش درون شبکه‌ها را تشکیل داده‌اند.</p>	 <p>شال بندی یا خشتی با طرح صفوی، کشمیر، سده ۱۷م، ماخذ: عناویان، ۸۷، ۱۳۸۶</p>	 <p>پارچه ابریشم صفوی، مزین به نقش گل‌های شاه عباسی در شبکه‌های متداخل لوزی، سده ۱۱ ه.ق. ترمه به امضای غیاث، ماخذ: ولش، ۱۳۸۵، ۴۷</p>	<p>شبکه‌های هندسی</p> <p>انواع نقش</p>
<p>این نقش که بسیار در تزئین فرش به کار می‌رود، در پارچه‌ها نیز دیده شده است.</p>	 <p>نقش لچک ترنج بر روی پارچه گورکانی، ماخذ: Khalili, 2008, 152</p>	 <p>قلم کار با نقشی شبیه فرش بر پارچه ابریشم جناقی، یزد، سده ۱۱ ه.ق، ماخذ: پوپ، ۱۳۸۰، ۲۰۱</p>	<p>لچک ترنج</p>
<p>نقوش جفتی متقابل پرندگان دوسوی درخت بر نقوش پارچه‌های ایران قدمتی دیرین دارند. این نقش در هنر ساسانیان و آل بویه کاربرد زیادی فراوان داشته و در دوره صفوی نیز این نقش به طور وسیع در نگارگری و منسوجات احیا شده است، اما در منسوجات دوره گورکانی طی سده‌های ۱۷-۱۵م کاربرد نداشته است.</p>		 <p>اطلسی با نقش بته ترمه‌ای، گل‌ها، طاووس در در دوسوی درخت سرو، ماخذ: پورپیرا، ۱۳۷۴، ۶۸</p>	<p>جفت‌های متقابل</p>

توضیحات	هند - گورکانی	ایران - صفوی	نقوش
بزم یکی از مضامین پرکاربرد در پارچه‌های دوره صفوی که الگو برداری از نگارگری در آن عهد می‌باشد، در پارچه‌های دوره گورکانی نیز به تقلید از نمونه‌های صفوی، به آن پرداخته شده است.	 <p>نقش ترنج و حاشیه بر این رومال هندی نخ‌قلم‌کار، گلکنده، ۱۶۲۵ م، موضوع آن بزم و گره برداری از نمونه‌های صفوی است، ماخذ: Chisti, 2000,22</p>	 <p>نقشی از بزم بر اطلس مرکب، ماخذ: پوربیرار، ۱۳۷۴، ۹۸.</p>	بزم
مضمون شکار را در پارچه‌های صفوی و گورکانی می‌توان ملاحظه نمود.	 <p>مضمون شکار، ماخذ: Chisti, 2000,25</p>	 <p>سقف داخلی خیمه گرد، منقوش به صحنه‌های شکار، میانه سده ۱۰ ه. ق، مخمل ابریشمی با نقش برجسته پرزچین بر متن اطلس نقره‌ای، ماخذ: موزه هنرهای زیبای بوستن، شماره ۱۳/۲۸</p>	شکار مضامین نقوش
مضمون ادبی برگرفته از شاهنامه و خمسه نظامی از مهم‌ترین مضامین مورد توجه در پارچه‌های دوره صفوی است.		 <p>ابریشم دولا منقش به لیلی و مجنون، اواخر سده ۱۶ م، ماخذ: موزه واشینگتن دی‌سی، شماره، ۱/۳۶، ۱۹۶۹.</p>	ادبی

جدول ۲ - مقایسه تطبیقی وجوه اشتراک و افتراق در پارچه‌های ایران صفوی و هند گورکانی

موضوع	مورد مقایسه‌ای	ایران - صفوی	هند - گورکانی
رنگ‌های زمینه	سبید	*	***
	سرخ لاجی	*	*
	طلایی	**	*
	سبز	*	*
	نخودی اکرم	*	*
	هم خانواده	*	*
شیوه اجرایی	اطلس	**	*
	مخمل	***	*
	زری از رفعت	***	*
	ایکات اداری	*	**
	قلمکار	*	**
	شال ترمه	*	**
	پارچه چندلا	*	*
	پارچه دورو	*	**
	چاپ با سسه‌ای	*	*
	سوزن‌دوزی	*	*
نخی	*	**	
الیاف - مواد	پشمی	*	*
	ابریشمی	**	*
ترکیب بندی	تقارن	*	*
	شبکه‌های هندسی	*	*
	حاشیه	*	*
	تعادل و توازن	*	*
	توالی در تکرار	*	*

\* تعداد علامت ستاره نمایان گر میزان اهمیت و کاربری در پارچه بافی صفوی و گورکانی است.



## نتیجه

پادشاهان گورکانی هند، ایران را وطن دوم خود می‌دانستند و انس عمیقی با زبان و فرهنگ و هنر ایرانی احساس می‌کردند. در نتیجه با اتکاء به بن‌مایه‌های هنر ایرانی و پیوند آن با هنر اصیل بومی هند به حمایت گسترده‌ای از فرهنگ و هنر در سرزمین هند دست زدند. ضعف و سستی صفویه در حمایت از هنرمندان و توجه دربار هند به هنرمندان ایرانی، سیلی از هنرمندان و متخصصان ایرانی از جمله نگارگران را به دربار گورکانی روانه کرد. در نتیجه واسطه‌گری و تاثیر نگارگری صفوی بر هنرهای گورکانی هند، به ویژه نگارگری و پارچه‌بافی، موجب شد در منسوجات صفویه و گورکانی نقوش تصویری مشترکی را مشاهده نماییم. در پاسخ به سئوالات مطرح شده در مقدمه این پژوهش، در مورد تاثیرپذیری طراحی و نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی از یکدیگر، چنان‌که اشاره شد عواملی از جمله: ۱- وجود راه‌های تجاری و صادرات و واردات پارچه ۲- مهاجرت هنرمندان ۳- اشتراک زبان، فرهنگ، دین و غیره، بیش‌ترین تاثیر را در نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی داشته است. همچنین در بررسی نوع طرح‌ها و نقوشی که در پارچه‌های صفوی و گورکانی به طور مشترک کاربرد داشته، می‌توان گفت نقش طبیعت مهم‌ترین نقش در پارچه‌های هند بوده و انسان و طبیعت رو به تجرید و الا‌ترین نقش را در طرح‌های ایرانی آن زمان داشته‌اند. تاثیرپذیری از نقوش برگرفته از طبیعت در بافته‌های صفوی بسیار مورد استفاده بوده و تنوع فراوانی دارد. بسیاری از این نقوش از جمله گل‌های چندپر، نقش‌های اسلیمی و گل‌های شاه‌عباسی و شیوه پیچش و گسترش آن‌ها در طرح، که در سده‌های پیشین در هنرهای دستی ایران ابداع و اجرا می‌شد، در این دوران گسترش یافته و بر بافته‌ها و پارچه‌های گورکانی نیز تاثیر گذاشته است. استفاده از مضامین انسانی و حیوانی در بافته‌ها و نوع ارتباط طراحان پارچه و نقاشان دربار صفوی، باعث گسترش این‌گونه نقوش در پارچه‌بافی صفوی گردید و در نتیجه با تاثیر نگارگری صفوی بر نگارگری گورکانیان، بازتاب نگارگری بر طراحی پارچه‌های تصویری گورکانی به وضوح قابل ملاحظه است. همچنین کاربرد خط و خط‌نگاره‌ها با مضامین آیات قرآنی، ادعیه و احادیث در پوشش مکان‌های مقدس نیز در حکومت‌های صفوی مورد استفاده قرار گرفته، و دارای جایگاهی خاص می‌باشد. کاربرد خطوطی همچون ثلث و نسخ در نگارش آیات و عبارات قرآنی و استفاده از این‌گونه بافته‌ها در قالب روپوش قبر و پرده، رویکرد مذهبی حاکمان صفوی به مضامین مذهبی را نشان می‌دهد که این خط‌نگاره‌ها در پارچه‌های گورکانی مشاهده نمی‌شود.

## منابع و ماخذ

- اتینگهاوزن، ریچارد، یارشاطر، احسان، اوج‌های درخشان هنر ایران، مترجمان هرمز عبداللهی، رویین پاکبان، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۹.
- احتشامی، خسرو، تعریف‌نگاری واژه‌های هنری و صنعتی در متون عصر صفوی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۰.
- برند، باربارا، هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- بلر، شیلا و جان‌اتان بلوم، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، سروش، تهران، ۱۳۸۱.
- پاتریشیا، بیکر، منسوجات اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
- پاکبان، روئین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، انتشارات زرین و سیمین، تهران، ۱۳۸۵.
- پرهام، سیروس، دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- پوپ، آرتور، شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.



- پورپیرار، ناصر، هنر ایران، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۷۴.
- دلاواله، پیتر، سفرنامه، ترجمه محمود بهفروزی، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۰.
- دیمانند، س.م، راهنمای صنایع دستی، ترجمه عبدا... فریاد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.
- روح فر، زهره، نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، تهران، ۱۳۸۰.
- سیوری، راجر، ایران عهدصفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر سحر، تهران، ۱۳۶۲.
- شریف زاده، عبدالمجید، تاریخ نگارگری در ایران، انتشارات حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۵.
- طالب پور، فریده، تاریخ پارچه نساجی در ایران، دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۸۶.
- عناویان، رحیم، ترمه های سلطنتی ایران و کشمیر، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۶.
- غروی، مهدی، جادوی رنگ (مقدمه ای بر روابط هنری ایران و هند)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
- فریه، ر.دبلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، فرزبان، تهران، ۱۳۷۴.
- قدیانی، عباس، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه، نشر فرهنگ مکتوب، تهران، ۱۳۸۴.
- کنبای، شیلا، عصرطلایی هنر ایران، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۷.
- والگرو، داول، نساجی هنرهای ایران، زیر نظر دبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، نشر پژوهش روز فرزبان، تهران، ۱۳۷۴.
- ولش، آنتونی، شاه عباس و هنرهای اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۵.
- شیرازی، عادل، پارچه و پارچه بافی در دوران اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۵، انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد پنجم، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیستم، تهران، ۱۳۸۱.

Bloom, Jonathan and Blair, Sheila, Islamic Arts, Phaidon, London, 1997.

Bunt, Cyril G.E, Persian fabrics, London, 1963.

Chishti, Rta Kapur and Rahul, Jain Handcrafted Indian Textiles, Roli Books, 2000.

Dhamjia, Jasleen and Jain, Jyotindra, Handwoven Fabrics of India, Ahmed Abed, Grantha Corporation, 1989.

Gillow John and Barnard, Nicholas, Traditional Indian Textiles, Thames and Hudson, London, 1996.

Hariss, Jennifer, 5000 years of textiles, British Museum, London, 1993.

Khalili, Nasser, Islamic Art and Culture, London, 2008.

Nicholas Purdon, Carpet and Textile Patterns, London, 1966.

Spuhler, Fridrich, Islamic carpets and textiles in the keir collection, Farber and faber limited, London, 1987.

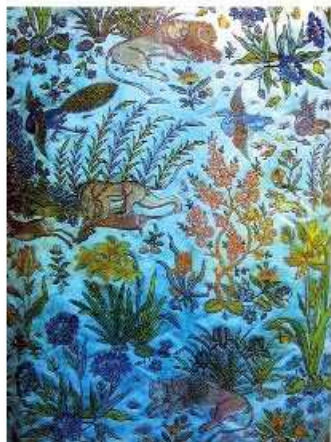


## A Comparative Study on Designs of Gurkanid and Safavid Textiles

Maryam Khalilzadeh Moghdam, M.A.Philosophy of Art, University of Allameh Tabatabaee, Tehran, Iran.  
Abolfazl Sadeghpour Firoozabad, M.A. Research of Art, Shahed University, Tehran, Iran.

Received: 2011/12/27

Accept: 2012/3/7



Because of having all aspects of applications among many segments of society, textile is one of the leading and largest industries in the Muslim countries, including Iran and India. For this reason Ninth to eleventh centuries AH (fifteenth to seventeenth AD) centuries are important in progression of textile art in Safavid and Gurkanid eras. By having cultural and artistic ties in the previous centuries, particularly during the Safavid state, they have had effects on each other in many different arts, specially the art of textiles. In this article, through analysis of the art of Safavid textiles and its influence on or taking influence by Gurkanid, one of its contemporaneous civilizations is comparatively studied. The main base of the research is woven designs and motifs in Safavid and Gurkanid textiles. Therefore, firstly characteristics and methods of textile weaving in Safavid and Gurkanid eras has been studied through categorizing woven designs into three groups including: Plant motifs, human, animal designs and pictographs. Then available samples of Safavid and Gurkanid textiles have been studied comparatively.

**Keywords:** textiles, Safavid, Gurkanid, comparative study designs.